

نویسنده: کریستینا لمب (Christina Lamb)



منبع و تاریخ نشر: اند بیند ت « 2016-4-24 »
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

ما چگونه موفقیت را به شکست در جنگ بی پایان افغانستان تبدیل نمودیم

How we Turned Success into Defeat and Endless War in
Afghanistan

رسانه های غربی با وجودیکه مردم به صفوف
طالبان و داعش می پیوندند و یا کشور را ترک
میکنند مدعی اند که جنگ در افغانستان پایان یافته

**western media pretends the war is over, even as people
join the Taliban or ISIS or leave**

یک سال دیگر، حملات بهاری دیگر انفجار بمب عظیم داخل یک لاری در ساعت
مزدحم و عبور و مرور مردم در صبح روز سه شنبه و به دنبال آن تیراندازی های پیهم
باعث کشته شدن «64» نفر و زخمی شدن به صد ها نفر گردید که متأسفانه هیچ
چیزی جدیدی برای پایتخت افغانستان نبود، وقابل تذکر اینست که رهبران غربی
بیش از گذشت پانزده سال بعد اعلان موفقیت شان را بر طالبان در افغانستان مینمایند
در حالیکه همین اکنون شورشیان نسبت به هر وقت دیگر بیشتر بخشها و قلمرو کشور را
در تحت کنترل و تصرف خود دارند - با در نظر داشت گویا این اعلان موفقیت رهبران
غربی حتی که خبر حمله ای روز سه شنبه کابل در اخبار ظهر بریتانیا پخش نگردید
ورسایه ها را از اشاعه ای این خبر واداشته و یا بخط خود کشا ننیدند. در حالیکه همین
حالا بیش از (12000) سرباز «ناتو» شامل «9800» سرباز امریکایی و «500»
سربازان استرالیایی در افغانستان حضور فعال دارند. همسر یک سرباز انگلیسی که

شوهرش بخاطر انجام وظیفه به افغانستان رفته بود بمن گفت که اداره پُست بریتانیا از گرفتن وارسال بسته ای که من میخواستم در این هفته به شوهرم بفرستم امتناع نمود و او چنین اندیشید ویا این چنین اطمینان حاصل نمود که شاید «تمام سربازان قبلاً افغانستان را ترک نموده باشند» .

بهر صورت بجای آنکه این رهبران غربی بیشتر بالای دولت اسلامی عراق و سوریه «داعش» و معضلات کنونی سوریه و پیرامون موج از پناهندگان که اکثریت شان در راه سفر به اروپا اند تمرکز فکری نمایند جنگ را در افغانستان پایان یافته مینگردند حال آنکه گروه دوم از این پناهنده گان و مهاجران بعد از مهاجران سوری که با سراسیمگی راه سفر را به اروپا در پیش گرفته اند افغان ها اند که مجبور به ترک میهن شان شده اند - چنانچه چشم انتظار هزاران مهاجر و بخصوص از مهاجران سوری که با آماده گی اجرای بازی های سامری (اقلیت قومی دینی از مردم شام از شاخه های ادیان ابراهیمی ---- ازویکی پدیا) در انتظار ورود پاپ به جزیره لئوس (Lesbos) یونان بودند که این خود نمایندگی از پرابلم های حل نشده ای این مهاجران بی سرنوشت مینماید . من یک فامیل تازه وارد افغان را در این جزیره که یک خانم بیوه با دو پسر خود بعد از طی نمودن فاصله «3000» مایل و با مصرف «20» هزار دلار که خانه ای خود را در افغانستان بفروش رسانیده بود ملاقات نمودم ، این فامیل در صحبت خویش چنین وانمود ساختند که حضور «**نا تو**» در افغانستان یگانه ثمری که برای ما بخشید این تیلیفون همراه ما بود که توسط این تیلیفون برنامه سفر خود را تنظیم نمودیم ، پسر ارشد این خانواده چنین گفت : ما این را غیر محتمل نمی شمردیم که اروپا ما را دوباره به میهن ما سوق ندهد سفر ما به اینجا به آن میماند که « اگر اپارتمان شما را آتش گیرد پس شما بخاطر آنکه زنده بمانید مجبور هستید که با یک پرش به بیرون خود را از سوختن و مردن نجات دهید » این پسر ارشد خانواده افغان افزود که در وطن ما نه تنها اینکه طالبان با گذشت هر روز مناطق و بخش های افغانستان را در تحت تصرف خود می آورند بلکه گروهها دیگر تروریستی اعم از القاعده و داعیش نیز که قبلاً اصلاً در مورد آنها سخنی در میان نبود اکنون در کشور ما حضور دارند و بویژه که گروه آدم کش داعش در ولایت ننگرهار افغانستان جای پا پیدا نموده است و هر روز به گسترش نفوذ خود در انولامی افزاینده بنا بادر نظر داشت همین یادآوری های فوق ما مجبور شدیم وطن خویش را که به مقدسات آن سوگند خورده بودیم ترک نمایم و دینا ر غربت را در پیش گیریم نباید از یاد برد که دیگر در سرزمین جنگ زده ای ما ابداً پرچم صلح و آرامی و مصونیت به اهتزاز در نخواهد آمد؟ چونکه اکنون حسب معمول جنگ طلبان بد نیال رد پای دولت اسلامی عراق و سوریه بخاطر اغاز جنگ در عراق اند و امیدهای شان راتاحدی از

افغانسان به نسبت گماشتن و استخدام جهادی های خطرناک در حومه میلین بیک (Melenbeek) بروکسل که بعداً به حملات در پاریس انجامید قطع نموده اند .



خانم کریستینا چنین خاطر نشان میسازد و آن اینکه اگر افغانستان همه چیز های خود را از دست داد نه تنها که جای تاثیر و غم انگیز مییاشد بلکه همچنان جای تا سف و اندوه فراوان نیز مییاشد که در این جنگ هزارها انسان زندگی خود را از دست دادند و به ملیاردها دالر مصرف شد تا که حد اقل بعضی موفقیت ها و دستاوردها را به بار آورد و من بصفت یک خبرنگار و گذارش دهنده جنگ باز در شب کرسمس (۲۰۰۱) به ادامه وظیفه خبرنگاری خود برمیگردم و کاملاً بخاطر دارم که در بام هوتل مصطفی واقع در کابل نشسته بودم و به فکر عمیق فرو رفته بودم، طالبان موسیقی را ممنوع ساخته بودند شروع اولین برف با ری های زمستانی بود در خیابان ها و کوچه ها آواز پسران که مصروف بازی های بچه گانه شان بودند بگوشم طنین می انداخت .

فقط (60) روز بعد از رخداد (۹/۱۱) با اولین هجوم بمب گذاری نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا رژیم طالبان از آنچه که پنتاگون برآورد نموده بود بمراتب سریعتر از هم پاشید و منقرض گردید ، طالبان بالاثربراتب بمب توسط هواپیماهای جنگی «ب 52» (B52) ایالات متحده امریکا و جنگجویان افغان و به روز دوم با خرید فرماندهان با دلار با استفاده از نسخه بازی بزرگ از قدرت رانده شدند . در آن هنگام یک افسر بلند رتبه ای تفنگداران دریایی سلطنتی بریتانیا دگروال رب فری (Rob Fry) بمن چنین گفت :

« ماچنین فکر می‌کردیم که ما سنگ جادویی از مداخله را یافته ایم .»

پس مشکل چه بود و یا چه اتفاقی افتاد؟ که ما چگونه موفقیت‌ها را تبدیل به شکست نمودیم؟ و آنهم با داشتن (140000) سربازان «ناتو» مجهز با سلاحهای مدرن و پیچیده بروی زمین نتوانستیم بریک دسته از چریک‌های ژنده پوش که توسط یک ملای یک چشمه که پیروان اش اور گونگی (گونگ دهن) خطاب می‌کردند رهبری میشد و بعداً معلوم شد که او مرده است فایق آیم؟

لهدا اگر ما از «چرا» درک درست میداشتیم پس ممکن این را نیز درک مینمودیم که ما نمیتوانیم که این جنگ را بیشتر از این به پایان رسانیم!

رویه‌رفته به نظر من پرابلم معضله موجود در جنگ افغانستان نسبت به بُعد نظامی جنگ بُعد سیاسی آن بیشتر است آنچنانیکه جنرال مکارتر (Gen. Macarthur) در این مورد چنین ابراز نظر نمود و گفت: داخل شدن در هر جنگ بی‌دون اراده قوی از بُرد و موفقیت طبعاً کُشنده و خطرناک می‌باشد. بعد از مرحله اولی جنگ ما نمیدانستیم که به چه تلاشی باید دست زدیم و ما نمیدانستیم که ما به کجا می‌رویم و چه باید بکنیم؟ مردم از ما می‌پرسند که ما چرا از تاریخ نیاموختیم و آن اینکه بریتانیا در سه جنگی که با افغانها نمود در دو جنگ آن شکست فاحش خورد و بعداً باید از تجربه اخیر و تازه می‌آموختیم و آن اینکه اگر شما به ولایت هرات بروید یک جنگ سالار بنام جنرال وهاب بالای یک تپه تعمیر مدور را اعمار نموده و در آن همه رویدادها و صحنه‌های جنگ و مجادله زمان جهاد را به نمایش گذاشته و آنرا بنام موزیم جهاد نامگذاری نموده است. جنرال وهاب در این موزیم تمام سلاحها و مهمات جنگی را که در طول جهاد از شوروی هابه غنیمت گرفته شده بود بشمول جت‌های جنگنده میک و یک گالری شعله‌ور و فوتوهای و پورتریت‌های جنگ سالار دستگیر شده را جابجا نموده است و در تحت یک گنبد صدای مخوف ثبت شده در یک کست را به نمایش گذاشته که چگونه روسها با شنیدن صداهای گلوله و چیغ‌های وحشتناک به شکست مواجهه میشوند. جنرال وهاب همچنان از طرز زندگی روس‌ها که به آن می‌بالند یک تصویری بشکل نمونه از یک روسی که به اسارت گرفته شده بود و در زندان محبوس بود تنظیم نموده و در همین موزیم به نمایش گذاشته است و چنین تصمیم گرفته شده است که هرگاه این روسی محبوس بمیرد او را در همین موزیم دفن مینمایند تا در این موزیم یک قبر از روسی نیز داشته باشیم او می‌افزاید که هر کسی وقتی که از این موزیم بازدید بعمل آورد به این اندیشه و فکر خواهد افتید که تجاوز بالای افغانستان نظر خوبی نخواهد بود، نکته‌ای را که جنرال وهاب به آن اشاره مینماید اینست که تجاوز بالای افغانستان موفقیت در بر ندارد و نکته قابل توجه اینکه نباید نسل جوان به جنگ و جدال برگردند.

افغانستان از جمعیت و نفوس بسیار جوان برخوردار است یعنی که در حدود «70»

فیصد از نفوس این کشور عمر پانزده تا سی سال را دارند اکثریت این نفوس جوان نمیخواهد دوباره به جنگ و جدال بپردازند ولی آنها نیاز به فرصت دارند یا آنها نیاز به شغل و کسب و کار دارند و در غی آن همان است که به صفوف طالبان و القاعده می پیوندند و یا با استفاده از تلفیفونهای همراه درصدی راه یابی بخاطر فرار از کشور شان اند .

یا داشت : کریستینا لمب مولف کتاب تحت عنوان [خدا حافظ کابل : از افغانستان

به جهان بیشتر خطرناک در آینده از هارپر کالینز بناریخ سوم ماه می]

----- با تقدیم سلام « 2016-4-26 »